لنین و تئوری انقلابی

(۱۷۹۵ - ۱۸۸۷)

لنین برای آنکه بتواند آن مسائل مبرمی را که تاریخ جهان بمثابهٔ رجل انقلابی و پیشوای توده های زحمتکش در برابرش نهاده بودعملاً حل کند، دارای کبه‌تدارکات نظری و عملی لازم بود.

وی ازهمان آغازفعالیت اجتماعی خودمارکسیزم را با جدیت و دقت کم نظیری مطالعه کرده بود و بهمین جهت بسیار زود قدرت اجتهادی شگرفی در مسائل بر اساس اسلوب تحلیل مارکسیستی نشان میداد. لنین هرگز زندگی علمی و نظری خود را از جدیترین زندگی عملی انقلابی جدا نساخت.

او هم‌چنین طی‌زندگی خویش توانست تجارب سه انقلاب روس و جنبش وسیع‌جهانی کارگری، نخستین جنگ جهانی و جنگ داخلی را گرد آورد و تجارب را در خدمت ساختمان‌نخستین‌جامعه سوسیالیستی، در خدمت تکامل جنبش انقلابی جهانی و بطور کلی در خدمت تکامل تئوری انقلابی قرار دهد.

پس از مارکس و انگلس تئوری‌انقلابی آنها مورد مغلطه های فراوان چپ و راست و تحریف های بدعت آمیز و یا قشری قرار گرفته بود، لنین تئوری انقلابی مارکس و

بقیه در صفحه ۳

ماهنامهٔ
مردم
ارگان مرکزی حزب تودهٔ ایران

قطعنامه مصوب پلنوم ۱۳ کمیته مرکزی در باره

جلسه مشاورهٔ احزاب کمونیستی و کارگری (ژوئن ۱۹۶۹) و فعالیت هیئت نمایندگی حزب ما در این جلسه

سیزدهمین پلنوم کمیته مرکزی حزب توده ایران گزارش هیئت اجرائیه کمیته مرکزی را در باره تدارک و جریان جلسه مشاوره جهانی احزاب کمونیستی و کارگری استماع کرد و پس از بحث در پیرامون آن نتیجه گیریهای زیرین را تصریح میکند:

—۱—

جلسه تاریخی مشاوره ۷۵ حزب کمونیستی و کارگری جهان که از پنجم تا هفدهم ژوئن سال ۱۹۶۹ پس از تدارک طولانی و مراعات روح مشورت جمعی و دموکراتیک کامل در مسکو تشکیل شد بدون تردید حادثه برجسته‌ای در تاریخ جنبش جهانی کارگری و کمونیستی و کامیابی بزرگ این جنبش و مرحله مهمی در راه وحدت و همبستگی جنبش کارگری و کمونیستی جهانی بر پایه مارکسیسم - لنینیسم و انترناسیونالیسم پرولتری است. این جلسه موفق

دنباله در صفحه ۵

مغلطه کاری رژیم

بحساب اعلامیهٔ جهانی حقوق بشر

این حیله دزدان که برای گریز از دمکراتها، بدزد خیالی نهیب میزنند و بانگ «آی دزد! آی دزد» بلند میکنند، در کشور ما مشهور است. و این امر نیز که دولتهای ارتجاعی ایران در موارد معین از این حیله برای قلب واقعیات و فرار از خشم مردم استفاده کرده اند بر کسی پوشیده نیست. ولی بدرستی میتوان ادعا کرد که بکار بردن این نیرنگ در مقیاس عمومی تبلیغاتی و مبدل ساختن آن به تاکتیک رسمی دولتی یکی از صفات ممیزه سیاست ضد ملی و ضد دموکراتیک رژیم کنونی ایران است.

محیط خفقان، فقدان آزادیهای دموکراتیک و عدم امکان فعالیت علنی برای احزاب، اجتماعات و مطبوعات مخالف رژیم، زمینه مساعدی برای توسعهٔ دامنهٔ تبلیغات بر اساس این شیوه فراهم آورده است.

در واقع مغلطه کاری زمامداران رژیم (از شاه و اعضاء خاندان سلطنت گرفته تا اعضاء دولت و مجلسین و مأموران عالیرتبه کشوری و لشکری) و جسارت در قلب حقایق از حدود مسائل داخلی تجاوز کرده و بعرصه بین المللی کشیده شده است.

تنها صحبت از این نیست که گویا در نتیجهٔ انقلاب ادعائی شاه و مردم و آن سیاست باصطلاح مستقل ملی، عدالت اجتماعی بمعنای تام و کامل خود در کشور ما برقرار شده و آزادی و رفاه مردم و استقلال کشور تأمین گردیده است بلکه سخن بر سر اینست که

دنباله در صفحه ٤

اطلاعیه دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران

اخیراً هیئت حاکمه ایران و مطبوعات وابسته به آن از نو کارزار تبلیغاتی شدیدی علیه حزب توده ایران براه انداخته‌اند. این بار بهانهٔ حمله به‌تیمور بختیار نه تنها میکوشند حزب توده ایران را مدست و متحد وی جلوه دهند، بلکه با را از این فراتر گذاشته حزب کمونیست عراق را نیز بهمکاری واتحاد بارئیس‌سابق‌سازمان‌امنیت‌ایران و وساطت‌بین او و حزب توده ایران متهم میکنند و حتی با بکار بردن برخی کنایات و اشارات میخواهند پای بعضی از کشور های سوسیالیستی را نیز بنحوی بمیان کشند.

مقامات حاکمه و مطبوعات دولتی ایران میکوشند با در آمیختن یك سلسله اخبار پراکنده و سر هم کردن پاره ای اسامی

دنباله درصفحه ۲

تلگراف شادباش بمناسبت سالگرد ۲۱ آذر

کمیته مرکزی حزب توده ایران بمناسبت سالگرد نهضت انقلابی خلق آذربایجان تلگرافی بشرح زیر به سازمان ایالتی حزب توده ایران، کمیته مرکزی فرقه دموکرات آذربایجان ارسال داشته است:

○ ○ ○

بمناسبت بیست و چهارمین سال نهضت انقلابی خلق آذربایجان و جشن ۲۱ آذر خواهشمندیم بنام کمیته مرکزی حزب توده ایران درود های صمیمانه و پر شور ما را به عموم رفقای فرقه دموکرات، کمیته مرکزی فرقه و همه پناهندگان آذربایجان ابلاغ نمائید.

بامید برگزاری جشنهای پرشکوه آیندهٔ نزدیك در ایران، موفقیت فرقه دموکرات آذربایجان را در پیشبرد امور حزبی و میهنی آرزومندیم.

در باره یك سند مهم

اخیراً مطبوعات شوروی ترهای کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد جماهیر شوروی را تحت عنوان «برای صدمین سالگرد تولد ولادیمیر ایلیچ لنین» منتشر کرده‌اند. چون ماهنامه مردم گنجایش درج ترجمه کامل این ترهارا ندارد، در زیر خلاصه ای از آنرا به نظر خوانندگان گرامی میرسانیم. در آینده کوشش خواهد شد از این سند بسیار مهم در مطبوعات ما استفادهٔ بیشتری بشود.

* * *

ترهای کمیتهٔ مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی بمناسبت صدمین سالگرد لنین حاوی یك مقدمه و چهار فصل بدین شرح است:

دنباله در صفحه ۲

پاسخ کمیته مرکزی حزب زحمتکشان ویتنام به‌نامه تسلیت حزب ما

کمیته مرکزی حزب توده ایران!

رفقای عزیز!

از جانب حزب زحمتکشان ویتنام، طبقه کارگر و مردم ویتنام از نامه تسلیتی که بمناسبت درگذشت رئیس جمهور محبوب ما رفیق هوشی مین ارسال داشته بودید عمیقاً سپاسگزاریم. باشد که همبستگی و دوستی بین دو حزب ما و خلقهای ما روز بروز بیشتر تحکیم و گسترش پذیرد.

کمیته مرکزی حزب زحمتکشان ویتنام

ضمیمه مردم در تهران منتشر شد

شماره مهر ماه « ضمیمه ماهانه مردم » ارگان مرکزی حزب توده ایران ـ تشکیلات تهران انتشار یافت . در این شماره شاد باش تشکیلات تهران بمناسبت سالگرد تأسیس حزب توده ایران باین شرح منتشر شده است : « تشکیلات تهران ـ حزب توده ایران دهم مهر ماه سالروز پیدایش حزب توده ایران ، حزب طراز نوین طبقه کارگر ایران را به کادر مرکزی ـ رفقای حزبی و همه نیرو های ملی و مترقی ایران شاد باش میگوید و آرزو دارد با اتحاد و همبستگی هرچه بیشتر در مبارزه ضد استبدادی و ضد امپریالیستی ، پیروزی های باز هم بیشتری نصیب خلقهای ایران گردد » در مقاله شماره یکی از مقالات شماره ۴۹ ماهنامه مردم است تحت عنوان « نه اغلا یکری و نه تسلیم » که ضمن آن چنین خاطر نشان شده است : « زندگی بار دیگر ثابت کرد که مبارزه اغلایی و متی اعلایی فقط از آن حزبی است که به خلق خود ، به طبقه کارگر خود ، به مارکسیسم لنینیسم و به انترناسیونالیسم پرولتری وفادار بماند نه فرقهای اغلا یکری و نه راهی تسلیم طلبی در اراده او تزلزل ایجاد نکند ، قاطع و استوار و پیگیر از میان آتش دشمن و تیر مخالفان بگذرد و رسالت تاریخی خود را به انجام رساند . زندگی تأیید کرد که فقط حزب توده ایران چنین حزبی است . »

متن کامل وصیت نامه دقیق هوشی مین در شمارهٔ اخیر «ضمیمه مردم» درج شده و درپایان گفته شده است : « رفقای حزبی و خلقهای مبین ما که در دیگر مبارزه با امپریالیسم و ابادی آن هستند ، از خاتمه غم انگیز درگذشت رفیق هوشی مین سوگوارند . تشکیلات تهران حزب توده ایران در این غم بزرگ خود را برادرانه شریک میداند و از طرف تمام رفقای حزبی و همه زندانیان سیاسی وهمه مبارزان ایران بخلق قهرمان ویتنام تسلیت میگوید. پیروزیها مبارزه دلاورانه خلق ویتنام در راهی که هوشی مین انتخاب کرد » در شماره مهرماه «ضمیمه مردم» اخباری از زندگی و شرایط کارگران بالایشگاه تهران، کوره پز خانه ها و کارگران ساختمانی درج شده . از مهمترین این اخبار خبر اعتصاب کارگران برخی از کارخانه ها در تهران ، اصفهان یزد و گرمان بمنظور اعتراض به تعیین حد اقل دستمزد از طرف وزارت کار است . (چنین خبردر ماهنامه مردم شماره ۵۳ انتشار یافته است .) خبر مربوط به اعتصاب دانشجویان مدرسه صنعتی نارمک نیز از جمله اخبار دیگر «ضمیمه مردم» است . در صفحه اول روزنامه شعار «اتحاد، مبارزه، پیروزی» شعاری که باید در پیرامون آن گرد آمد و استبداد و امپریالیسم را به خاک سیه زد چشم میخورد . در صفحه دوم با درج شعار «عموطلبان زندانیان سیاسی بخاطر به زیستن تو و خانواده تو به بند کشیده شده اند . از خانواده آنان حمایت کن و برای آزادی شان از هیچ کوششی مضایقه مکن » از کلیه هم میهنان برای مبارزه در راه رهائی زندانیان سیاسی از زندان شاه و توجه به خانواده های آنان دعوت شده است .

انتشار منظم « ضمیمه مردم » در شرایط ترور پلیس ، موفقیت رزمندگان حزب ماست ، شعاهائی است که به همه پیوندگان راه آزادی و استقلال ایران گرمی می بخشد .

دنباله از صفحه ۱

در باره یك سند مهم

فصل اول ـ لنین بنیادگزار حزب کارگری طراز نوین ، تئوریسین و رهبر انقلاب سوسیالیستی . فصل دوم ـ سوسیالیسم تجسم اندیشه های لنینیسم . فصل سوم ـ لنینیسم پرچم مبارزه خلقها علیه امپریالیسم برای تحول انقلابی جهان . فصل چهارم ـ در راه لنین بسوی کمونیسم .

در مقدمه سند کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی ، این نکته تصریح شده است که نام لنین همراه با سرآغاز یك دوران انقلابی تاریخ بشریت است . « لنین معبرترین مسائل تحول تاریخی پاسخ داده و تئوری انقلاب سوسیالیستی و ساختمان جامعه کمونیستی را همه جانبه توضیح داده است . وی جنبش انقلابی روس و جنبش انقلابی جهانی را به تاکتیك و استراتژی علمی مجهز نموده و در رأس مبارزه علیه کارگر برای تحقق اندیشه های سوسیالیسم قرار گرفته است . . . لنینیسم مارکسیسم عصر امپریالیسم و انقلاب پرولتری، عصر فروریختن کلنیالیسم پیروزی جنبش رهائی بخش ملی ، عصر گذار بشریت از سرمایه داری بسوسیالیسم و ساختمان جامعه کمونیستی است . . . احزاب کمونیستی با تکیه بر ارثیه اندیشه های لنین کاری بزرگ و خلاق انجام میدهند و باسرسختی علیه ایدئولوژی بورژوائی معاصر علیه انحرافات راست و چپ مبارزه میکنند . »

در فصل اول تزها شرایط تشکیل حزب بلشویك و پیروزی انقلاب اکتبر تشریح شده و آموزش لنین در باره حزب طراز نوین یاد آوری شده است « لنین و بلشویکها کوششهائیرا که بمنظور تبدیل حزب به کلوب مباحثه و تشکیل فراکسیونها و گروههای مختلف بود محکوم کردند . آنها معتقد بودند که قدرت قاطع حزب در یکپارچگی و وحدت صفوف آن و مقاومت در برابر اقدامات تیست که انضباط حزبی و وحدت حزب را تضعیف مینماید . بعقیده لنین شرط ضروری موفقیت یك حزب مارکسیستی ، مبارزه در دو جبهه علیه اپورتونیسم و رویزیونیسم هم از راست و هم از چپ است » .

در پایان این فصل کمیته مرکزی اعلام میکند : « انقلاب اکتبر سوسیالیستی اکتبر نخستین اقدام پیروزمندانه انقلاب سوسیالیستی جهانی است . انقلاب اکتبر سرمای سوسیالیستی و اجتماعی یکدولت عظیم را بطور بنیادی دگر گون ساخت وجنبش رهائیبخش جهانیرا بسطح عالیتری رساند . لنین میگوید این انقلاب راه پیشروی بسوی سوسیالیسم را به جهانیان نشان داد و به بورژوازی اعلام نمود که دوران تسلط وی بپایان خود نزدیك میشود » .

در فصل دوم تزهای کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد جماهیر شوروی به مناسبت صدمین سالگرد تولد لنین از جمله گفته میشود : « در جامعه سوسیالیستی سازمان و مدیریت مبتنی بر اصول لنینی مرکزیت دموکراتیك است ، اصولی که ترکیب ارگانیك بین رهبری متمرکز و طبق نقشه و ابتکارات گسترش یابنده محلی را در بر میگیرد . . .

ساختمان سوسیالیسم و کمونیسم فقط تحت رهبری حزب مارکسیستی ـ لنینیستی با موفقیت انجام پذیر است » .

کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی با یاد آوری از مبارزه ای که علیه کیش شخصیت و ذهنی گری نموده است خاطر نشان میسازد : « تضمین برای جلو گیری از بروز مجدد این پدیده های منفی ، عبارتست از احترام دقیق بقوانین لنینی حیات حزب و دولت ، بسط انتقاد و انتقاد از خود و اجرای منطقی اصول رهبری جمعی و ارتباط وسیع با توده ها » . سپس در تزها گفته شده است که حزب هر کوششی را در جهت سوء استفاده از انتقاد کیش شخصیت بمنظور زیان رساندن بمنافع خلق و سوسیالیسم محکوم مینماید .

سند کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی پس از یادآوری نتایجی که در ساختمان سوسیالیسم بدست آمده است متذکر میگردد : « قول لنین در باره اینکه اهرم اساسی تأثیر سوسیالیسم در انقلاب جهانی عبارتست از سیاست اقتصادی آن و ایجاد مبانی اقتصادی جامعه نوین که از لحاظ نیروهای مولد بر سرمایه داری تفوق دارد» در مرحله کنونی مسابقه بین دو سیستم بیش از هر موقع دیگر فعلیت دارد » .

در مورد تشکیل سیستم جهانی سوسیالیسم کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی اعلام میدارد که یکپارچگی سیاسی و اقتصادی کشورهای سوسیالیستی نیرو و قدرت هر یك از آنها را چند برابر میکند .

تزهای مندرج در فصل سوم بویژه مبارزه ضد امپریالیستی و نبرد بخاطر تحول انقلابی جهان را مطرح مینمایند. در اینبخش خطوط اساسی سیاست خارجی شوروی بیان میگردد . هدف این سیاست عبارتست از تأمین همزیستی مسالمت آمیز که شرایط مناسب برای ساختمان سوسیالیسم و کمونیسم را فراهم آورده و محیط مساعد برای مبارزات رهائی بخش زحمتکشان همه کشورها و ترقی اجتماعی و اقتصادی تمام خلقها را تأمین می کند . در عین حال همزیستی مسالمت آمیز متضمن مبارزه سیاسی ، اقتصادی و ایدئولوژیك حادبین سوسیالیسم و سرمایه داری ، بین طبقه کارگر و بورژوازی است . همزیستی مسالمت آمیز بهیچوجه بمعنای صلح طبقاتی نیست و نمیتواند حق مقدس خلقهای اسیر را برای رهائی خود با توسل بتمام شیوه های مبارزه و از جمله مبارزه مسلحانه نفی کند .

در تزهای مربوط به انترناسیونالیسم پرولتری ، سند خاطر نشان میسازد که لنین ترکیب صحیح مبارزهای ملی و انترناسیونالیستی را بعنوان مسئله مرکزی در فعالیت احزاب کارگری تدقی نموده است . انترناسیونالیسم پرولتری در شرایط کنونی اهمیت ویژه ای کسب میکند و بنیان اساسی ترقی اجتماعی و اتحاد تمام نیروهای انقلابی را برای

دنباله از صفحه ۱

اطلاعیه دبیر خانه . . .

ایرانی و عراقی ، حزب ما را به جریان بختیار پیوسته و از این راه ، بگمان خود باید تیر به نشان بزنند ، هم توجه مردم را از جنایات فجیعی که رژیم کنونی ایران بوسیلهٔ سازمان امنیت ، چه در زمان تصدی بختیار و چه پس از آن ، علیه اعضاء حزب توده ایران و دیگر مبارزان راه آزادی و استقلال کشور مرتکب شده است ، منحرف سازد و هم سیاست عمیقاً مبهم پرسنالیته حزب ما را دائر بمبارزه در راه اتحاد کلیه نیرو های ملی و دمو کراتیك علیه امپریالیسم و رژیم ضد ملی و ضد دموکراتیك کنونی ایران ، یعنی سیاستی که بر مبنای تحلیل اصولی و واقع بینانه اوضاع کشور قرار گرفته و دور از هر گونه ماجراجوئی و تسام طلبی است خدشه دار کند .

روش ضد توده ای و ضد کمونیستی رژیم ارتجاعی ایران و گردانندگان آن تازگی ندارد و اینان باهمیت نقشی که حزب توده ایران در جنبش رهائی بخش ملی و در پخش و نشر اندیشه های انقلابی مارکسیسم ـ لنینیسم در میان توده های وسیع کشور ما ایفا کرده و میکند واقفند و از تأثیر عمیق این افکار چه در مبارزات برای حصول آزادیهای دمو کراتیك علیه رژیم حکومت مطلقه و چه در نبرد استقلال طلبانه علیه امپریالیسم بخوبی آگاهند . بهمین سبب است که با استفاده از محیط اختناق و تروری که بر کشور ما حاکم است ، هیچ فرصتی را برای ایراد انواع اتهامات و جمل اکاذیب بمنظور حمله بحزب توده ایران از دست نمیدهند . در عین اینکه حزب ما را « منحله » میخوانند و چنین جلوه میدهند که گویا مدتهاست این سازمان سیاسی طبقه کارگر ، کوچکترین تاثیری در سیر حوادث کشور ندارد و در حالیکه در مورد قابلیت مترقی و انقلابی حزب توده تعمداً سکوت میکنند ، آنگاه که سیاست نیرنگ و فریب آنان اقتضا کند ، حزب توده ایران را بانی ، متحرك یا الهام بخش جریان

بقیه در صفحه ۷

تعرضهای آینده علیه مواضع امپریالیسم تشکیل میدهد . . . « همبستگی بین المللی ستون فقرات نهضت کمونیستی و کارگری بوده و هست . »

در آخرین فصل در باره ساختمان کمونیسم گفته شده است : حزب کمونیست اتحاد شوروی اعلام میدارد که امروزه اتحاد شوروی بمرحله ای رسیده است که جهت اساسی آن تشدید تولید است . این امر مستلزم تغییرات عمیق در مجموع اقتصاد ملی و در هر یك از حلقات آنست . ساختمان کمونیسم متضمن استفاده وسیع از دستاورد های انقلاب علمی و فنی است که حامل تغییرات کیفی در تکنیك ، در سازمان مدیریت و رهبری و خدمات فعالیت مثمر انسانهاست . ساختمان کمونیسم متضمن تکامل تمام سیستم های مناسبات اقتصادی جامعه ی سوسیالیستی است .

زندان

دژ مبارزان

بازهم سازمان جهنمی امنیت عده‌ای از جوانان دانشجو را بزندان برده است ، بازهم عده ای از کار گران را که حق خود را میخواستند در بند کرده اند ، بازهم با تدام شکنجه ها ، اعدامها و تبعید ها هنگامی نیست که گروه تازه ای بزندانیان سیاسی نپیوندند .

ورود مبارزان جدید بزندانها ، به زندانیان قدیمی که عمر خود را در زندانهای مختلف کشور گذرانده اند نشان میدهد که راه آنها ادامه دارد ، که مبارزه بپایان نرسیده و خونین رزمندگان در اهتزاز است . با هر یورش جدید پلیس دست گیری میهن پرستان ، زندانیان قدیمی میبینند که راه آنها درست بوده و محرومیتی را که کشیده اند و می کشند بی ثمر نبوده است و این مبارزه تا سرنگونی رژیم فاسد و دست نشانده قطعی ادامه خواهد داشت .

امروز زندانهای ایران به آمو. زشگاه مبارزان تبدیل شده است ، زندان و محرومیت و دوری از خانواده مبارزان را از پای نینداخته است ، آنها با فراگرفتن علوم مختلف ، با فراگرفتن زبانهای خارجی ، با نوشتن کتاب و ترجمه آثار خارجی بیش از پیش ماهیت رژیم شاه را که انسانهای با استعداد و با انرژی را پشت میلهای زندان نشانده است آشکار میسازند و همین انسان‌های زحمتکش مجبورند با روزی ۱۶ ریال جیرهٔ خشک زندگی نمایند ، در گوشهٔ سلول روی چراغهای نفتی غذای خود رابپزند و به انواع محرومیتهای دیگر بسوزند ، دوا در زندان نیست ، برای گرفتن یك قرص آنتی بیوتیك باید مدتها در انتظار بود . ملاقاتها محدود است و کسانیکه در زندانهای دور دست کشور زندانی اند از همین ملاقاتهای محدود نیز عملا بر خوردار نیستند .

خانواده های زندانیان ، بخصوص کسانیکه سالهای متمادی است ، نان آور خود را درپشت میله های زندان می بینند ، زجر فراوانی میبرند وضع عده ای از خانواده ها بقدری بد است که زندانیان مجبورند از همین جیرهٔ ۱۶ ریال خود ، چند شاهی پس انداز کنند و برای خانواده خویش بفرستند .

بیشتر زندانیان سیاسی در اثر شکنجه هائیکه هنگام « باز جوئی » دیده اند ، در اثر بدی و کمی غذا ، نبودن هوای کافی و وسائل بهداشتی و توجه پزشکی به بیماریهای گوناگون دچار شده اند و از مدداوای آنها نیز خبری نیست . رفقای حزبی ما که از زمان کودتا تا کنون در زندانهای مختلف ایران بسر میبرند و شکنجه ها و زجرهای زیادی را دیده اند به معاینات دقیق پزشکی و معالجات مؤثر نیاز . مندند ، ولی دژخیمان توجهی باین امر حیاتی نمیکنند و حتی اجازه نمیدهند که عده‌ای از آنها که امکاناتی دارند با وسائل شخصی خود معالجه شوند .

هنگام بازدید از زندانیان سیاسی پارها نمایندگان شاه گفته‌اند ما داریم زندانهای تازه میسازیم ، چون سازمان امنیت دیگر جای خالی در زندانها باقی نگذاشته است . رژیم شاه در نبرد با زندانیان شکست خورده است ، مقاومت و مبارزهٔ آنها الهام بخش رزمندگان است . درود به زندانیان سیاسی که زندانها را بدژ مبارزان تبدیل کرده اند .

بمناسبت بیستمین سالگرد تأسیس جمهوری دموکراتیك آلمان کنبه مرکزی حزب توده ایران قالیچه ای که هم طرح و هم بافت آن ثمرهٔ کار هنرمندان ایرانی است به کنبه مرکزی حزب سوسیالیست متحده آلمان هدیه نمود . قالیچه مزبور که تصویر آن در فوق مشاهده میشود توسط رفیق رحیم غنائی بافته شده و طرح آنرا رفیق جعفر مجیری داده است .

توجه

بزودی کتاب « برخی بررسیها در بارهٔ جهان بینیها و جنبشهای اجتماعی در ایران » منتشر خواهد شد .

دفاعیهٔ خسرو روزبه تجدید چاپ خواهدشد.

دنباله از صفحه ۱

لنین و تئوری انقلابی

انگلس را در تمام اجزاء سگانهٔ اساسی آن یعنی فلسفه، اقتصاد و کمونیزم علمی ، بر پایه تجارب عملی انقلاب روس و جهان و نیز دستاورد های علمی و فرهنگی روس و جهان بسط داد. مختصات عصری که لنین در آن میزیست عبارت بود از عصر امپریالیسم بمثابهٔ واپسین مرحلهٔ سرمایه داری و آغاز زوال سیستم سرمایه داری ، عصر انقلابات سوسیالیستی و ملی و رهائی بخش ، عصر ساختمان سوسیالیسم. در این عصر که نسبت به دوران مارکس و انگلس ویژه گیهای تازه‌ای کسب کرده بود، می بایست تئوری انقلابی را با تعمیمات و و استنتاجات نوی غنی ساخت و استراتژی و تاکتیك حزب پرولتاریا را بسط داد . حوادث دوران لنین و پس از او صحت و قدرت منطقی احتجاجات واستنتاجات تئوریك لنین را ثابت کرد.

پیدایش شخصیتی مانند لنین و فعالیت تئوریك او در روسیه یك امر غیر قابل توضیح نیست . پیش از لنین جنبش انقلابی روس در زمینه عملی ونظری راه زیادی را پیموده بود. لنین مینویسد ، « روسیه طی نیم قرن تاریخ مصائب و فداکاریهای بی نظیر ، قهرمانیهای انقلابی بی همتا ، انرژی و جانفشانی شگرف در راه پژوهش ، آموزش و آزمایش درعمل، سرخوردگی ها و امتحانها و مطابقه تجارب اروپا ، تئوری مارکسیستی را بعنوان یگانه تئوری صحیح انقلابی با رنج بدست آورده است . »

جهان بینی لنین در دورانی شکل ونضج یافت که وی خود آنرا دوران یك « ارتجاع عنان گسیخته و فوق العاده بی معنی و سبعانه » میداند . او در محیط خود هم ستم اقتصادی رژیم تزاری را بصورت فقر مردم میدید ، هم ستم سیاسی وی را بصورت فقدان مطلق حقوق و آزادیهای دمکراتیك و هم ستم ملی را بصورت محرومیت برخی خلق های کوچك که در محیط زندگی لنین بسر میبردند ، این مشاهدات ، همراه با شرایط پرورشی مساعدی که در خانواده مترقی و روشن بین لنین وجود داشته و از آنجمله تأثیر فداکاری برادر انقلابیش که در راه آرمانهای خلق تیرباران شد (۱۸۸۷) و آشنائیش با ادبیات مارکسیستی و جنبش کارگری روس لنین را خیلی زودو خیلی استوار وارد عرصه انقلاب کرد .

هفده ساله بود که در دانشگاه قازان بعلت شرکت در « آشوبهای دانشجوئی » بازداشت شد و تحت نظر ژاندارم به دهکدهٔ « کوکوشکینو » تبعید گردید . لنین ازهمان آغاز متوجه بود که راه تروریزم انقلابی که برادرش پیمودنی نمی تواند به تحول بنیادی جامعه روس منجر گردد . لذا او در جستجوی یافتن راه دیگری بود که قادر باشد چهرهٔ جامعه را با شرکت خود افراد آن دگرگون کند .

در کوکوشکینو لنین مجلهٔ « ساورتنیك » را که تحت نظر فیلسوف انقلابی روس چرنیشوسکی منتشر میشد و بویژه در مجله مقالات خود چرنیشوسکی را با دقت تمام میخواند و گاه یك مقاله را چند بار مطالعه میکرد . خود لنین بعد ها یادآوری میکند که خواندن مقالات چرنیشوسکی در اوویژه در دریافت دیالك تیك هگل و نقش مثبت آن برای تحلیل پدیده های طبیعت و اجتماع تأثیر زیادی داشت. لنین می نویسد درك دیالك تیك هگل کار را برای درك دیالك تیك مارکس بعد ها بسی آسان ساخت .

پس از یکسال به لنین اجازه دادند از دهکده کوکوشکینو به شهر قازان باز گردد ولی مجاز نبود وارد دانشگاه شود . در آن ایام در سراسر روسیه « محفل » هائی برای مطالعه مارکسیسم بطور مخفی تشکیل میشد. در قازان محفلی تحت نظر فدوسیه یفدائر بود . لنین در پائیز سال ۱۸۸۸ وارد این محفل شد ، در این محفل « سرمایه » اثر مارکس ، رساله های انگلس و پلخانف مطالعه میشد . شرکت در این محفل لنین را که زمینهٔ کافی داشت ، به یك مارکسیسم معتقد مبدل کرد. سالهای بعد بررسی لنین از مارکسیسم باجدیت روز افزون ادامه یافت . وقتی در ۲۳ سالگی (۱۸۹۳) وارد پطرسبورگ

دنباله در صفحه ۷

دنباله از صفحه ۱

مغلطه کاری رژیم

بحساب اعلامیه جهانی حقوق بشر

گویا اقدامات داهیانهٔ آریامهری و اندرزهای پدردوستانه و حکیمانهٔ «پدر تاجدار» جهان را فرا گرفته و حتی نمونهٔ ایران مانند چراغ قاپاقی راه بشریت را برای «ساختن دنیائی که در آن نادانی، اسارت و ستمگری از میان برود وانسان فقط بعلت انسان بودن خود و بدون هیچگونه تمایز و تمییز از تمام حقوقها و آزادیهای متناسب با ارزش و مقام فرد برخوردار باشد.» روشن ساخته است!

این عبارات را اشرف خواهر شاه، که بنا بر همان تاکتیک مذکور، ریاست عالیهٔ کمیتهٔ ایرانی حقوق بشر نیز بوی تفویض شده، بمناسبت بیست و یکمین سالروز صدور اعلامیه جهانی حقوق بشر بی پروا بیان میکند و برادر تاجدارش نیز با کی از آن ندارد که در پیام خود بهمین مناسبت دم از مبارزه با «جهل و گرسنگی» وحتی «خود کامگی» آنهم در مقیاس جهانی بزند و سرانجام اعلام دارد که، «جامعهٔ ایرانی اکنون در راهی که با اصول منطقی و بشر دوستانه و مترقی هماهنگی کامل دارد پیش میرود و از این راه سهم مسئولیت خویش را در راه ایجاد جهانی بهتر با احساس کامل این مسئولیت بعهده گرفته است.» جل الخالق! این فرمایشات از آن کسی است که نه تنها خود یکی از ناقضین عنوان دار مقررات اعلامیهٔ جهانی حقوق بشر است، بلکه در خود کامگی و پایمال ساختن حقوق و آزادیهای فردی و اجتماعی مردم، در بر هم ریختن اساس مشروطیت و حکومت پارلمانی، در ستمگری و بیداد، سرآمد اقران خود در جهان است.

این غلط بقدری شور است که خود خان هم فهمیده است. حتی شاه و اشرف در پیامهای خویش کلمه ای هم از آزادیهای سیاسی که شالودهٔ اساسی اعلامیه حقوق بشر است بر زبان نیاورده و فقط بر روی مسائلی کلی از قبیل «ارزشهای انسانی»، «حصول بعد اکثر ایده آلهای انسانی» و بویژه بر مسئلهٔ تبعیض نژادی که بهیچوجه با درد های مستقیم جامعهٔ ایران ارتباطی ندارد تکیه میکنند. نطق مهندس شریف امامی رئیس مجلس سنا که باصطلاح در «تجلیل اعلامیهٔ جهانی حقوق بشر» ایراد شده است از پیام ارباباش خود نیز تو خالی تر است.

توأم ساختن سالروز صدور اعلامیهٔ حقوق بشر با روز ۲۱ آذر، که در قاموس اصطلاحات رژیم کنونی «روز نجات آذربایجان» خوانده میشود، بیهوده نیست. شاه و زمامداران رژیم ضد ملی و ضد دموکراتیک کشور ما میخواهند چنین جلوه دهند که کشتار بیش از بیست هزار نفر ازهموطنان بدفاع آذربایجانی ما در این حادثه، اعدام برادران قاضی که حتی کوچکترین مطالقتی هم با ورود ارتش دولتی به کردستان نکردند، تیرباران دسته جمعی گروه ۳۳ نفر افسر میهن پرست، حماق آویز آزادیخواهانی چون داداش تقی زاده، آزاد وطن، فریدون ابراهیمی، وغیره و کوش و بینی بری افرادی چون حسین نوری و قتل فجیع آنها درحضور زن و فرزند، پس از انجام انواع بی عصمتی ها، باز داشتهای دسته جمعی و هزاران فجایع دیگر، از جمله اقدامائی است که گویا با مفاد اعلامیهٔ جهانی حقوق بشر ساز گاراست در این مقاله جای آن نیست که در بارهٔ عدم مشروعیت لشکر کشی دولت به آذربایجان و کردستان بویژه پس از آنکه دولت رسماً با نمایندگان مردم آذربایجان وارد مذاکره شده، خواستهای مشروع ملی آنها را پذیرفت و بنا بر توافق قبلی قرار شد نیروی نظامی دولتی برای تأمین آزادی انتخابات وارد آن سامان شود، سخنی بگوئیم. اینها نا کتهای تاریخی است که نمیتوان با هیچ دستاویزی قلب نمود. ولی فرضاً که این لشکر کشی و فجایع متعاقب آن با منطق طبقاتی هیئت حاکمهٔ ایران هم قابل توجیه باشد، دیگر چه جای اینهمه جشن گرفتن ها و پایکوبیهاست. مگر نه اینست که در این حادثه عدهٔ کثیری از هموطنان ما بقتل رسیده اند؟ آخر قتل و کشتار جمعی مردم بیدفاع که جشن و سرور ندارد. حتی (تیر) مرتجعترین نماینده بورژوازی فرانسه، پس از توفیق در سرکوب مقاومت مسلحانهٔ طبقهٔ کارگر فرانسه در دوران کمون پاریس جسارت را باین درجه نرساند که همه ساله برای این پیروزی جشن بگیرد، سوار بر اسب شود و ارتشی را که بکمک بیگانگان تنظیم یافته است سان ببیند.

آیا ادعای دفاع از اعلامیهٔ حقوق بشر از طرف شاه و رژیمی که مرتکب انواع جنایات ضدانسانی شده، هزارها میهن پرست ایرانی را برای استقرار و تثبیت حکومت مطلقه بیدادهای اعدام، شکنجه گاهها و زندانها فرستاده، احزاب و سازمانهای ملی و دموکراتیک را تعطیل و مطبوعات آزادیخواه را ممنوع ساخته، بمدد ترور پلیسی وسازمان امنیت آزادی عقیده، بیان، قلم و مطبوعات و تمام اصول قانون اساسی ایران را زیر پا گذارده و خلاصه حکومت مشروطه را تبدیل بقیرستان آریامهر نموده است در عین اینکه کمدی تأثر انگیزیست توهین شنیع نسبت بمردم مسلوب الحق میهن ما نیست؟ مردمی که، در راه تأمین حقوق و آزادیهای آنان جانهای عزیزی چون خسرو روزبه، دکتر فاطمی، سیامک، و کیلی، مرتضی کیوان، قاضی اسد اللهی، زاخاریان، محمود کوچك شوشتری، وارطان سالاخانیان، میشری، عزیزی، مدنی، وزیریان، جلالی، کلالی، کلهری، واعظ قائنی، بهنیا، معینی، پیانی، مهدیان، افشار بکشاو، جنتیدی، واله، پهزاد، سروشیان، محقق زاده، مختاری، مرزوان، نصیری، قندچی، بزرگ نیا، شریعت رضوی، شرف زاده، سلیمان معینی و ده ها زندهٔ دیگر فدا شده اند؟

مگر کسانی که باتهام سیاسی اعدام شده یا بازداشت و تبعید گردیده اند و یامانند علی خاوری، پرویز حکمت جو، آصف رزمدیده و صابر محمد زاده و غیره بحکم دادگاههای درجه نظامی هم اکنون در زندانها بسر میبرند، مرتکب چه گناهی غیر از استفاده از مفاد مادهٔ ۲۸ اعلامیهٔ جهانی حقوق بشر که تصریح میکند، «هر کس حق دارد برقراری نظمی را بخواهد که از لحاظ اجتماعی و بین المللی حقوق و آزادیهائی را که در این اعلامیه ذکر گردیده است تأمین کند و آنها را بمورد عمل بگذارد» گردیده اند؟

این امر که سازمان امنیت شاه و محاکم نظامی فرمایشی وی جرأت ندارند صراحتاً این اشخاص را متهم بمطالبهٔ آزادی های مصرح در قانون اساسی ایران و اعلامیهٔ جهانی حقوق بشر نمایند و بکلواخت همه را بجرم مخالفت با سلطنت (آنهم با سلطنت مشروطه!) محکوم میکنند، نمیتواند کوچك ترین تغییری در ماهیت اتهام واقعی آنها بدهد. ادعای دفاع از سلطنت مشروطه از طرف حکومت مطلقه ای که همهٔ مقررات قانون اساسی را زیر پا گذارده است در واقع جز اعمال همان تاکتیك عمومی قلب واقعیات چیز دیگری نیست. طبق ماده ۱۹ اعلامیهٔ جهانی «هر کس حق آزادی عقیده و بیان دارد و حق مزبور شامل آنست که از عقاید خود بیم و اضطرابی نداشته باشد و در کسب اطلاعات و افکار و در اخذ و انتشار آن به تمام وسائل ممکن و بدون ملاحظات فردی آزاد باشد.»

این درست همان ماده ایست که نه تنها شاه و رژیم وی با آن موافق نیستند (زیرا بهیچوجه با حکومت فردی و سلطنت مطلقه سازگار نیست) بلکه با تمام قوا و با تمام وسائل قاهرانهٔ ممکن در نقض آن میکوشند. آن عدهٔ بیشماری از مردم کشور ما که هر روز بهانهٔ های گوناگون عقیده ای وسلیقه یا احضار و بازداشتهای خلاف قانون سازمان امنیت، یا شکنجه ها و محاکم درجهٔ نظامی و زندانها سر و کار داشته و دارند میتوانند در بارهٔ کیفیت اجراء این اصل مهم اعلامیهٔ جهانی حقوق بشر طبق «اصول انقلاب سفید شاه» داستانها نقل کنند.

دستگاه حکومت مطلقه تنها باین اکتفا نمیکند که در عمل مفاد اعلامیهٔ جهانی حقوق بشر و اصول مصرح در قانون اساسی ایران را در بارهٔ آزادیهای فردی و اجتماعی مردم نقض نماید، بلکه با گستاخی تمام قوانینی وضع میکند که مستقیماً منافی این اصول است.

برای آنکه بر دور نرفته باشیم همین لایحهٔ قانونی خدمت وظیفه را که دولت برای تصویب بمجلس برده و در ۱۸ آذر ماه سال جاری در مطبوعات انتشار یافته است بشهادت میآوریم.

صرف نظر از اینکه لایحهٔ مزبور در نخستین مادهٔ خود، وظیفه مسلم و همگانی دفاع از میهن را حیله گرانه با دفاع از «سلطنت مشروطه» که صرفاً مسئله ای عقیده ای و سیاسی است در آمیخته است، در مادهٔ ۹ یا را از آن فرا تر گذارده چنین تصریح نموده است: «کلیهٔ مسئولانی که وارد خدمت زیر پرچم میشوند باید طبق آئین نامه های ارتش شاهنشاهی نسبت باعلیحضرت همایون شاهنشاه بزرگ از انتشارات و والا حضرت ولایتعهد و حکومت سلطنتی مشروطه ایران سوگند وفاداری یاد نمایند».

بعبارت دیگر همه مردم ایران (بالاقل بنا بر متن لایحه کلیهٔ اتباع ذکور دولت شاهنشاهی) نه تنها باید شکل حکومتی سلطنت مشروطه را درست و بی چون و چرا قبول داشته باشند، بلکه موظفند که پادشاه کنونی و ولیعهدش را نیز بپذیرند. بدیهی است که اجبار در انجام چنین سوگند همهٔ اتباع ذکور ایران را از حق داشتن هر عقیدهٔ سیاسی دیگری غیر از سلطنت طلبی، آنهم سلطنت موروثی (زیرا باید بولیعهد نیز سوگند وفا داری یاد شود) محروم میسازد. بدین طریق هر نظریهٔ دیگری در بارهٔ شکل حکومت ایران (اعم از آنکه ماهیت آن سرمایه داری باشد یا غیر سرمایه داری، دموکراتیك باشد یا استبدادی، متمرکز باشد یا فدراتیو) از پیش محکوم شده و بقید قسم مؤکد گردیده است. همین است و لاغیر و هر کس جز این فکر کند حواله اش با دژخیمان سازمان امنیت و محاکم نظامی استثنائی است. مقایسهٔ مادهٔ ۹ این لایحه با مادهٔ ۱۹ اعلامیهٔ جهانی حقوق بشر درجهٔ صداقت شاه و زمامداران دیگر رژیم را در دفاع از اصول این اعلامیه بنحو بارزی نشان میدهد.

واضح است رژیمی که از [illegible] با آزادی عقیده مخاصمت داشته باشد نمیتواند با مواد دیگر اعلامیهٔ جهانی و بویژه مواد ۲۰ و بند ٤ مادهٔ ۲۳ آن که تصریح میکند، «هر کس حق دارد آزادانه مجامع وجمعیت های مسالمت آمیز تشکیل دهد... هر کس حق دارد که برای دفاع از منافع خود با دیگران اتحادیه تشکیل دهد و در اتحادیه ها شرکت کند.» موافقت داشته باشد. خود شاه و زمامداران رژیم نیز نمیتوانند منکر ممنوعیت احزاب و اجتماعاتی که بدلخواه آنها نیست باشند، زیرا شاه مکرراً در اظهارات خود باین نکته تحت عنوان «عدم آزادی خیانت!» اشاره کرده است. (وی هر گونه مخالفت با رژیم استبدادی خود و خاندانش را خیانت میشمارد) محاکمات متعدد افراد منتسب بعقاید سیاسی گوناگون، از توده ای و مصدقی گرفته تا دسته جات مذهبی و دینی از یکسو و وجود دستگاه عریض و طویل سازمان امنیت و محاکم غیر قانونی نظامی که وظیفه دیگری جز تعقیب مخالفین سیاسی رژیم ندارند، از سوی دیگر، گواه بی چون و چرائی بر نقض کامل این حق مسلم دموکراتیك افراد جامعه است.

دنباله در صفحه ٦

دنباله از صفحه ۱

قطعنامه مصوب پلنوم ۱۳ کمیته مرکزی در باره

جلسه مشاوره احزاب کمونیست و کارگری (ژوئن ۱۹۶۹) و فعالیت هیئت نمایندگی حزب ما در این جلسه

شد اسناد مهمی را تصویب کند که از آنجمله است سند اصلی جلسه مشاوره تحت عنوان «وظائف مبارزه علیه امپریالیسم در مرحله کنونی و وحدت عمل احزاب کمونیستی و کارگری و کلیه نیروهای ضد امپریالیستی». سند تحلیل وسیع علمی مارکسیستی - لنینیستی از وضع کنونی جهان و وظائف مبرم جنبش کمونیستی و کارگری جهانی است و روشن میسازد که ۱ اکنون سمت عمومی تکامل پیشرفت را سیستم سوسیالیستی و طبقه کارگر و کلیه نیروهای انقلابی جهانی معین میکنند. این سند تجاوزات و تحریکات امپریالیستی را در مورد ویتنام قهرمان، در خاور میانه و خاور دور و کوبا و دیگر نقاط جهان افشاء میکند و جنبش پرتوان مبارزه و اعتراض علیه امپریالیسم را نشان میدهد و با عمق و واقع بینی ماهیت امپریالیسم را، در شرایط مشخص معاصر، در این عصر انقلاب علمی و فنی و گسترش انقلابات اجتماعی و رهائی بخش نشان میدهد و بسط تضاد های درونی امپریالیسم و تشدید ناپایداری سیستم سرمایه داری را امر مهن میسازد و ضرورت و مبرمیت وارد ساختن تغییرات قاطع انقلابی را در این سیستم اثبات مینماید.

در سند تصریح شده است که امپریالیسم دیگر قادر نیست ابتکار تاریخی را که از دست داده است بخود باز گرداند و تکامل جهانی کنونی را به سیر قهرمانی وا دارد. طبقه کارگر و دیگر نیروهای انقلابی و دموکراتیک باید برای خاتمه دادن به اعمال تبه کارانه امپریالیسم و از آنجمله امپریالیسم امریکا که نقش ژاندارم جهانی را ایفاء میکند همراه یکدیگر اقدام نمایند.

در سند تصریح شده است کشورهائی که راه سرمایه داری در پیش گرفته اند (و کشورما ایران از آنجمله است) توفیق یافته اند حتی یکی از مسائل مطروحه در برابر خود را حل نمایند. در این کشور ها ارتجاع داخلی که مواجه با نارضائی روز افزون مردم است بر تجاوز خود نسبت به آزادیهای دموکراتیک میافزاید و در برخی موارد بیرحمانه جنبش دموکراتیک و میهن پرستانه توده ها را سرکوب میکند، اختلافات ملی، نژادی، مذهبی، عشیره ای یا زبانی را دامن میزند و بدینطریق استقلالی را که کشورهای مزبور بدست آورده اند بخطر میاندازد. سند تصریح میکند که در این کشورها راه حل وظائف مربوط به رشد ملی و ترقی اجتماعی و مقابله مؤثر در برابر نیرنگهای نو استعماری، بسیج توده های مردم، افزایش نقش پروتاریا و دهقانان، اتحاد جوانان زحمتکش، دانشجویان و روشنفکران، قشر های متوسط شهر ها، محافل دموکراتیک ارتش و تمام نیرو های ترقیخواه و میهن پرست است. احزاب کمونیستی و کارگری در راه ایجاد چنین اتحادی مرکب از کلیه نیرو های ترقیخواه و میهن پرست فعالیت میکنند.

سند اصلی همچنین به تحلیل تناسب قوا در عرصه جهانی میپردازد و بشکل مقتدرنشان میدهد، که نیرو های صلح و دموکراسی و سوسیالیسم، هم اکنون به نیروهای امپریالیستی برتری دارند وسیستم جهانی سوسیالیسم نیروی قاطع در نبرد ضد امپریالیستی است. سند مسئله مناسبات میان کشور های سوسیالیستی را مورد بررسی قرار میدهد و تصریح میکند که کمونیستها از دشواریهائی که سیستم سوسیالیستی جهانی در جریان تکامل خود با آن مواجه است آگاهند. با اینحال این سیستم که بر پایه رژیم اقتصادی و اجتماعی مشترک قرار دارد (و بسبب همین اشتراک پایه اقتصادی - اجتماعی دارای وثیقه ای برای غلبه بر دشواریهاست) خواهد توانست وحدت درونی خویش را بر مبنای مارکسیسم - لنینیسم و انترناسیونالیسم پرولتری سرانجام استحکام بخشد. در سند تصریح شده است که در درون دژ های سرمایه داری طبقهٔ کارگر نیروی محرکه عمده پیکار انقلابی در مجموع جنبش دموکراتیک ضد امپریالیستی است. در سند شرکت قشرهای تازه بتازگی از روشنفکران، جوانان و زنان در صفوف مبارزات انقلابی بیان شده و ضرورت ایجاد جبهه وسیعی از کلیه نیرو های دموکراتیک علیه امپریالیسم و ارتجاع خاطر نشان گردیده است. سند اصلی همچنین جنبش رهائی بخش ملی را که وارد مرحله نوینی شده است تشریح میکند و تصریح مینماید که در جریان ده سال اخیر تلفن جنبش ضد امپریالیستی خلقهای آسیا و افریقا و امریکای لاتین در پروسه انقلابی جهانی باز هم افزایش پذیرفته است و نتیجه میگیرد که تحکیم اتحاد نیرو های سیستم جهانی سوسیالیسم و جنبش کارگری و نهضت رهائی ملی از لحاظ دور نمای مبارزهٔ ضد امپریالیستی حائز اهمیت درجه اول است. سند برای جنبش رهائی بخش عرب نقش ارزنده ای در مبارزه علیه امپریالیسم قائل شده و گفته شده است که این جنبش بر روی تمام جنبشهای ضد امپریالیستی و ضد استعماری و ضد استعمار نوین درخاور میانه وافریقا تأثیر مثبتی میکند. مبارزه خلقهای عرب علیه امپریالیسم و علیه تجاوز اسرائیل جزء لاینفک مبارزهٔ عمومی است که در میان نیرو های آزادی و سوسیالیسم در سراسر جهان از یکسو و امپریالیسم بین المللی از سوی دیگر در گیر است.

درسند اصلی تدابیر و اقدامات مشخصی که باید علیه امپریالیسم اتخاذ شود بیان شده است مانند: پشتیبانی همه جانبه از خلق قهرمان ویتنام، مبارزه علیه خطر جنگ جهانی هسته ای، دفاع از صلح، مبارزه در راه تحمیل همزیستی مسالمت آمیز کشورهای دارای نظامهای مختلف بر امپریالیسم، جلوگیری از اشاعه سلاح هسته ای و علمی ساختن قرار داد عدم پخش آن و کوشش برای منع سلاح هسته ای مبارزه در راه الغاء پیمانهای نظامی، دفاع از اصل نقض ناپذیری مرز های کنونی اروپا و مبارزه برای برسمیت شناختن جمهوری دموکراتیک آلمان و ابراز همبستگی فعال با جمهوری دموکراتیک توده ای کره، پشتیبانی از مبارزهٔ خلقهای عرب علیه تجاوز گسران اسرائیل و حامیان امپریالیستی آن و با پیکار خلقهای آسیا، افریقا و امریکای لاتین، مبارزه برای پاک کردن سیاره ما از ننگ استعمار و امعاء آخرین کانون های آن و جلوگیری از احیاء اشکال مستور آن، مبارزه علیه فاشیسم و نژاد پرستی، نبرد برای نیل به آزادیهای دموکراتیک و مخالفت با تمام اشکال ستمگری بر ملل و اقلیت های ملی و غیره. مجموعه این تدابیر و اقدامات مشخص در واقع برنامه عمل مشترک احزاب کمونیستی و کارگری در شرایط کنونی است. حزب ما با امضاء سند اصلی قبول این وظائف و اجراء آنها را تعهد کرده است و نسبت به این تعهد خود وفادار خواهد ماند.

در سند تصریح شده است که اوضاع کنونی تقویت همبستگی پیکار جویانهٔ ملل کشور های سوسیالیستی، تمام واحد های جنبش کارگری جهانی و جنبش آزادی ملی را در مبارزه علیه امپریالیسم ایجاب میکند تا اجراء این وظائف مبرم دارای ضامن اجتماعی واقعی باشد. در سند تأکید شده است که وظیفه تحمیل سیاست همزیستی مسالمت آمیز بر امپریالیسم با قبول حق خلقهای ستمدیده برای استفاده از راههای مبارزه که برای رهائی ضرور میشمرند، اعم از مسلح و غیر مسلح تباین ندارد و بهیچوجه بمعنای پشتیبانی از رژیمهای ارتجاعی نیست. این نیز مسلم است که هرخلقی حق دارد درقبال تمدی متجاوزان امپریالیستی بدفاع مسلحانه بپردازد و در این کار عادلانه از پشتیبانی خلقهای دیگر برخوردار گردد. این امر جزء مبارزه عمومی ضد امپریالیستی خلقهاست.

در سند اصلی جلسه مشورتی مسئله وحدت احزاب کمونیستی و کارگری مورد بررسی وسیع و عمیق قرار گرفته و تصریح شده است که همبستگی احزاب کمونیست و کارگری مهمترین عامل اتحاد همه نیروهای ضد امپریالیستی است.

در سند مسئولیت ملی و بین المللی کمونیستها بیان گردیده و گفته شده است که وفاداری به مارکسیسم - لنینیسم و انترناسیونالیسم پرولتری، خدمت فداکارانه و صادقانه بمنافع خلق خود و امر مشترک سوسیالیسم، شرط حتمی برای ارتبطش و دست یابی درست و وحدت عمل احزاب کمونیستی و کارگری و پایه موفقیت های آنان در تحقق هدفهای تاریخی خویش است. در سند با خشم ونفرت تضیقات خونینی که در یک سلسله از کشورها و از آنجمله در کشور ما ایران علیه کمونیستها و دیگر عناصر دموکرات اعمال میشود محکوم شده است. سرانجام در سند ابراز اطمینان شده است که بر مشکلات موجود در جنبش کارگری و کمونیستی و نیز برخی تفاوت نظرهای موجود غلبه خواهد شد و کنفرانس جهانی احزاب برادر به گام مهمی در راه همبستگی نهضت بر افتخار انقلابی جهانی بدل خواهد گردید. چنین است نکات اساسی سند اصلی جلسه مشاوره احزاب برادر که خطوط راهنما را برای درک و تحلیل وضع کنونی جهانی و نهضت انقلابی و رهائی بخش و وظائف مبرم ناشی از این تحلیل را بدست میدهد و حزب ما را به خط مشی روشن مارکسیستی - لنینیستی در مسائل جهانی مجهز میسازد.

* پلنوم سند اصلی مصوب جلسه مشاوره احزاب برادر و دیگر اسناد این جلسه یعنی سند مربوط به صلح و صد سالگی میلاد لنین و سند مربوط به ویتنام را تأیید میکند.

* پلنوم به رهبری توصیه میکند برای پخش اندیشه های سند اصلی از کلیه وسائل خود استفاده کند و وظائف مشخصی را که از این سند برای حزب ما ناشی میشود استخراج و برای اجراء عملی آنها وسائل لازم را بیاندیشد و احکام راهنمای این سند را در تحلیل وضع ایران وجهه نظر خود قرار دهد.

— ۲ —

کنفرانس جهانی در پیام خاصی تحت عنوان «استقلال، آزادی وصلح در ویتنام» به خلق برادر ویتنام درود آتشین پیکارجویانه فرستاده و از صمیم قلب کامیابیهای تاریخی وی را در نبرد علیه تجاوز ایالات متحده امریکا شادباش گفته است. در این پیام تصریح شده است حق خلق ویتنام برای نبرد در دفاع از میهن خود، حق مقدس و خدشه ناپذیر کلیه خلقها در دفاع خویش است. در این پیام تصریح شده است که پیکار شجاعانه مردم ویتنام علیه تجاوز امریکا یکی از مهمترین اجزاء نبرد جهانی بین سوسیالیسم و امپریالیسم، مابین نیروهای مترقی و ارتجاع است. خلق ویتنام با پشتیبانی همه جانبه کشورهای سوسیالیستی و در توبه اول اتحاد شوروی و نیز مردم صلحدوست جهان، به ایالات متحده امریکا، این قویترین نیروی امپریالیستی نشان داد که قدرت وی غیر محدود نیست. تجاوز امریکا و تبه کاریهای بربر منشانه مداخله گران در ویتنام به افراد روز افزون سیاسی و معنوی تجاوز گران در میان وسیعترین قشر ها منجر شده است. نبرد حماسه آمیز خلق ویت نام یکی از عوامل تعیین کننده در جنبش خلقها

دنباله در صفحه ۶

دنباله از صفحه ٤

مغلطه کاری رژیم
بحساب اعلامیه جهانی حقوق بشر

در مواد ۱۳ و ۱٤ و ۱۵ اعلامیهٔ جهانی چنین میخوانیم: « هر کس حق دارد هر کشوری و از جمله کشور خود را ترک کند و یا به کشور خود باز گردد... هر کس حق دارد در برابر تعقیب و شکنجه و آزار پناهگاهی جستجو کند و در کشور های دیگر پناه اختیار نماید... هر کس حق دارد که دارای تابعیت باشد. احدی را نمیتوان خودسرانه از تابعیت خود یا از حق تغییر تابعیت محروم کرد ».

اینها اصول مسلمهٔ اعلامیهٔ جهانی حقوق بشر هستند که دولت ایران زیر آنرا امضاء نموده است. ولی رژیمی که مدعی دفاع از این اصول است و حتی با گستاخی تمام اندیشهٔ حقوق بشر را به تهران میخواند، کمیتهٔ باصطلاح ایرانی حقوق بشر تحت ریاست عالیهٔ خواهر شاه برپا میکند و اینهمه سنگ بشر دوستی بسینه میکوبد و برای «اردو های بزرگ آوارگان مصیبت دیده» مرثیه خوانی میکند نه تنها کوچکترین اقدامی برای تسهیل مراجعت آبرومندانهٔ هزاران پناهندهٔ سیاسی ایرانی که در برابر کشتارها، شکنجه ها و تعقیب های خود سرانهٔ رژیم به کشور های خارجی پناه برده اند، نمیکند بلکه بعکس میکوشد حتی فرزندان آنها را نیز از حق تابعیت ایرانی خود محروم سازد، خود سرانه از صدور گذرنامه برای آنان خود داری میکند و یا به مأموران کنسولی خود در خارجه دستور میدهد که گذرنامه های آنان را ضبط نمایند و اجازه مراجعت بایران بآنها ندهند و یا با لجاج تمام با عدم تمدید گذرنامه ها از بازگشت آزادانهٔ پناهندگان و فرزندانشان بمیهن جلوگیری بعمل آورد. دانشجویان دایر ایرانی را که با اساسهای آزادی کش رژیم موافق نیستند و در خارجه میدان فعالیتی یافته اند بعناوین مختلف مورد تضییق و فشار و تهدید قرار میدهد، خود سرانه گذرنامه های تحصیلی آنها را ضبط میکند و با از تمدید آن خود داری میورزد.

ما از بحث در بارهٔ اصول دیگر اعلامیه و از آنجایکه حق آزادی انتخابات، اصل تساوی همه افراد در برابر قانون، حق برخورداری از دادگاههای مستقل و بی طرف و رسیدگی علنی محاکمات، حفظ حقوق متهم و آزادی دفاع، ممنوعیت شکنجه و توقیف، تبعید و حبس خود سرانه و غیره سخنی نمیگوئیم زیرا تخلف زمامداران رژیم کنونی از این اصول بقدری روشن است که احتیاجی به بسط کلام نیست.

باری یک بررسی اجمالی به اظهارات، نطقها و پیامهای شاه و ریاست عالیه کمیتهٔ ایرانی حقوق بشر نشان میدهد که اینان اعلامیهٔ جهانی حقوق بشر را صرف نظر از محتوی سیاسی و اجتماعی آن قبول دارند و بعقیدهٔ آنان اصول اعلامیه در همه جا نقض میشود جز در کشور شاهنشاهی که بنا باظهار صریح خود آن والاحضرت « در زمینهٔ ملی با وجود موانع و اشکالات جهانی (کذائی الاصل) میتوان مباهات کرد که با انقلاب سفید شاه و مردم راه پرفراز و نشیبی که برای تعمیم عدالت اجتماعی و احترام بحقوق بشر در کشور ما وجود داشت هموار شده است و تحول وظیفه نشان میدهد که آیندهٔ بسیار درخشان تری در انتظار ملت ایرانست » (ثم العجب!). باز خود ایشان بعنوان ریاست هیئت نمایندگی ایران در بیست و پنجمین اجلاسیهٔ کمیسیون حقوق بشر چنین میفرمایند « ما در حال حاضر چه می بینیم؟ از یکطرف پروندهٔ قطور تجاوزات بحقوق بشری و رنج های بیشماری که از این تجاوزات سرای برادران و خواهران ما در بسیاری از نقط جهان (البته غیر از ایران) ناشی میشود و از طرف دیگر انبوه مترا کمی از قطعنامه ها و گزارشها و سپس بهمین روال تا آنجا که بعنوان چراغ الله میافزایند: « شاهنشاه آریا مهر هنگام گشایش کنفرانس جهانی حقوق بشر در تهران این حقیقت را یادآور شدند و اظهار داشتند (در روزگار ما حقوق سیاسی بدون حقوق اجتماعی، عدالت قانونی بدون عدالت اجتماعی دموکراسی سیاسی بدون دموکراسی اقتصادی هیچ معنا و مفهوم واقعی ندارند». چیزی که منطقاً از این گفتار و نقل قول شاهانه نتیجه میشود اعتراف باینست که در کشور ما نه تنها حقوق سیاسی و دموکراسی سیاسی وجود ندارد بلکه از حقوق اجتماعی و اقتصادی نیز خبری نیست، زیرا بنا بفرمایش خود ایشان فقدان این یکی مستلزم فقدان آن دیگری است. کلام الملوک ملوک الکلام!

با وجود این همین امر که شاه و هیئت حاکمه خود را مجبور می بینند ولو بظاهر و از لحاظ تاکتیکی هم شده اصول اعلامیه جهانی حقوق بشر را یاد آور شوند، خود دلیل اهمیت معنوی و بین المللی آنست. بهمین سبب مواد مختلفهٔ اعلامیه جهانی حقوق بشر میتواند بمثابه حربهٔ نیرومند در مبارزه مردم ایران برای تأمین آزادیهای دموکراتیک مورد استفاده قرار گیرد. کمیته های ایرانی دفاع حقوق بشر در صورتیکه بوسیلهٔ خود مردم تشکیل شوند و خردمندانه از آن بمنظور دفاع از آزادیهای دموکراتیک استفاده گردد میتوانند به تجهیز متحد افکار عمومی ایرانیان در داخل کشور و چه در خارج کمک مؤثری نمایند. شرط اساسی موفقیت در این راه سازمان متحد مبارزهٔ متحد بیگیر و با تدبیر است.

کیوان

دنباله از صفحه ۵

قطعنامه مصوب پلنوم ۱۳ کمیته مرکزی در باره

جلسه مشاوره احزاب کمونیستی و کارگری (ژوئن ۱۹٦۹) و فعالیت هیئت نمایندگی حزب ما در این جلسه

علیه امپریالیسم بعمل گردیده است. در پیام گفته شده است که ایالات متحده امریکا باید فوراً عملیات تجاوز کارانه خود را در ویتنام متوقف سازد و نیرو های اشغالگر خود را بطور کامل و بدون قید و شرط از ویت نام خارج نماید.

* پلنوم سیزدهم حزب توده ایران با تأیید پرشور این پیام به نوبه خود نبرد دلاور ویتنام که از جهت مقاومت و مبارزه دلاورانه علیه امپریالیسم فعلی شور انگیز و بی نظیر در تاریخ جنبش های رهائی بخش پدید آورده اند درود میفرستد.

* رهبری حزب باید از کلیه امکانات برای بسط جنبش همبستگی با نبرد قهرمانانه مردم ویتنام که پیروزی آن مستقیماً در اعتلاء نهضت در کشور ما نیز مؤثر است استفاده کند و در این زمینه با تمام ابتکار، با تمام شور و علاقه عمل کند.

— ۲ —

در جریان تدارک جلسه مشاوره و در خود این جلسه نقش برجسته حزب کمونیست اتحاد شوروی و مبارزه خردمندانه و پیگیرش در راه دفاع از یا کیزگی مارکسیسم ـ لنینیسم از انحرافات چپ و راست، در راه تحکیم وحدت و همبستگی جنبش جهانی کارگری و کمونیستی بر پایه مارکسیسم ـ لنینیسم و انترناسیونالیسم پرولتری بکیار دیگر با درخشندگی خاصی بروز کرد. این واقعیتی است که مورد تأیید احزاب برادر قرار گرفت و نمایندگان بسیاری از احزاب و از آنجمله حزب ما اهمیت حفظ و تحکیم همبستگی با اتحاد شوروی و حزب کمونیست شوروی و اعتلاء اعتبار معنوی آنرا با شور تمام بیان داشتند در جلسه مشاوره تصریح گردید که مارکسیست ـ لنینیست بودن با ضد شوروی بودن و آشتی امپریالیسم با آنتی سوویسم ناسازگار است.

این واقعیت که اتحاد شوروی نخستین کشور سوسیالیستی است که پیشوای داهی زحمتکشان جهانی لنین آنرا بنیاد گذارده، این واقعیت که اتحاد شوروی بزرگترین قربانیها را در انقلاب و جنگهای داخلی و در نبرد علیه فاشیسم خونفوار داده است و راه پرافتخاری را در راه ساختمان سوسیالیسم طی کرده و اینک مقتدرترین دولت سوسیالیستی از جهت اقتصادی، علمی، فرهنگی و نظامی است، این واقعیت که سیاست اتحاد شوروی در همه عرصه ها بر اصولیت بی خدشه و اجراء وظائف انترناسیونالیستی خود استوار است، احساس احترام و اعتماد جنبش انقلابی و رهائی بخش جهانی را نسبت بوی بیش از پیش بالا میبرد.

در جلسه مشاوره اکثریت نمایندگان خط مشی تفرقه طلبانه و ماجراجویانه گروه مائوتسه دون را مستدلاً افشاء و رد کردند. در عین حال جلسه ضرورت همه کسوته تلاش را برای غلبه بر مشکلات موجود در روابط احزاب برادر با احزاب کمونیست چین و نیل بوحدت و همبستگی بر پایه مارکسیسم ـ لنینیسم و انترناسیونالیسم پرولتری تصریح نمود.

حزب ما پیوسته برای دوستی و همبستگی با اتحاد شوروی و حزب کمونیست اتحاد شوروی اهمیت ویژه ای قائل بوده و هست که ناشی از مشی انقلابی و انترناسیونالیستی او، ناشی از تحلیل علمی و اصولی او از وضع کنونی جهان و منافع حیاتی طبقه کارگر جهان و ایران است. حزب ما [illegible] با انواع انحراف از مشی صحیح انقلابی در جهت راست و چپ، و از آنجمله با مائوئیسم در اندیشه و عمل مبارزه کرده است. درعین حال حزب ما هوادار پرشور اتحاد و همبستگی همه احزاب کمونیستی و کارگری بر پایه اصولی است. حزب ما به این موضع اصولی خود وفادار بوده و خواهد بود و برای ایجاد روح انترناسیونالیسم پرولتری و دوستی با اتحاد شوروی در افراد حزب و همه توده های زحمتکش ایران کوشیده است و خواهد کوشید.

حزب ما درجریان تدارک و برگزاری جلسه مشاوره ژوئن ۱۹٦۹ و تنظیم اسناد این کنفرانس شرکت فعال داشته است.

* پلنوم مجموعه فعالیت رهبری حزب و هیئت نمایندگی ما را در جلسات تدارکی و در کنفرانس و گزارش هیئت [illegible] را که به پلنوم تقدیم شده، تأیید میکند.

* پلنوم توصیه میکند که حزب در کلیه فعالیتهای بین المللی نظیر « در جلسه مشاوره جهانی در اطراف آن سخن گفته شده است (مانند کنفرانسهای بین المللی تئوریک، جلسات وسیع ضد امپریالیستی و همانند آن) با جدیت و ابتکار و تدارک لازم شرکت جوید و نقش فعال حزب را درجات انقلابی بین المللی بالا برد.

* حزب ما باید در مبارزات جهانی علیه ایدئولوژی بورژوائی و علیه جریانات انحرافی چپ و راست و علیه تنگ نظریهای ناسیونالیستی پیوسته خط مشی بی ابهام و روشن داشته باشد، زیرا تنها بدین شکل میتواند منویات واقعی طبقه کارگر و زحمتکشان ایران را متعکس کند.

* پلنوم استفاده از جلسات مشاوره منطقه ای بین احزاب برادر را وسیلهٔ مؤثری برای تقویت مبارزه طبقه کارگر در منطقه معین میشمرد و لذا بهرهبری توصیه میکند تمام کوشش خود را بویژه در مورد تشکیل کنفرانس از احزاب کمونیستی و کارگری منطقه خاور میانه بکار برد.

دنباله از صفحه ۳

لنین و تئوری انقلابی

پایتخت آنروزی روسیه شد. لنین دیگر یك مارکسیست کار کشته و قوی بود و در میان محفل های مارکسیستی روس کسب وجهه و شهرت کرده بود. لنین از همان آغاز در عرصهٔ تئوری مجرد و خالص، باقی نماند بلکه با دقت و اصابت نظر ویژهٔ خویش به بررسی جامعهٔ معاصر روس، رشد نظام سرمایه داری در آن، تعیین نقش طبقات اجتماعی جامعهٔ آن و بررسی انقلاب روس پرداخت. حتی درهمان ایام (۱۸۹۵-۱۸۹۳) کتابهای او تحت عنوان «تحولات جدید اقتصادی در زندگی دهقانان» و «دربارهٔ باصطلاح مسئله بازار» «دوستان مردم کدانند و چگونه با سوسیال دمکراتها مبارزمی کنند...» محتوی اقتصادی روش ناردنیکی و انتقاد از آن در کتاب «مترورو... مسائل متخصص اقتصادی» اجتماعی سیاسی جامعهٔ معاصر روس را در زیر ذره بین تحقیق علمی مارکسیستی قرار میدهد. در سالهای ۱۸۹۶ تا ۱۸۹۹ که لنین بعلت فعالیت انقلابی خود در تبعید گاه سیبری بود، دست به تألیف اثر مهم خود «رشد سرمایه داری در روسیه» میزند و در این کتاب نشان میدهد که بسط و تکامل سرمایه‌داری در روسیه‌تقسیم کار را در داخل جامعه تشدید می کند و لذا منجر به فشربندی مولدان خرده یا میشود و بازار داخلی را وسیع میسازد و تعداد پرولتاریا فزونی میگیرد و این طبقه به نیروی مولده اساسی جامعه مبدل میگردد. بسط این مناسبات مناسبات متجدد و فرسوده فئودالیسم را باتجار رو بتلاشی و زوال میبرد و تنها با دیدن این واقعیت است که میتوان وظایف سیاسی و انقلابی را تعیین کرد.

«همین ایام» دوران لنینی تکامل مارکسیسم» آغاز میگردد زیرا لنین در این آثار ابتدای جوانی خودنشان داد که میتواند مامرانه‌و بشکل درخشان احکام عام دیالکتیك تکامل تاریخ را بر نسج خاص جامعهٔ زمان خود بشکل خلاق و علمی تطبیق دهد وظایف سیاسی طبقه کارگر را از این انطباق بیرون بکشد و تئوری را باحکام و استنتاجات نوینی غنی سازد. لنین در همین جاده با پی گیری علمی پیش رفت و فصل عظیم و نوینی را در تکامل فکر و عمل مارکسیستی گشود.

لنین در همین ایام نوشت که تئوری مارکسیزم «جدی ترین و عالی ترین علمیت را (زیرا آخرین سخن علم اجتماعی است) با انقلابیت پیوند میدهد.» در همین توصیف لنین بخوبی دیده میشود که لنین نه عالمان بی عمل و نه بی‌خبران‌از تئوری انقلابی «هیچکدام را بحق نمی داند و میآموزد که باید پیوسته علمیت را با انقلابیت، تئوری را با عمل در آمیخت. باید مارکسیسم را نه تنها دراحکام عام آن بلکه در انطباق مشخص آن برجامعهٔ مشخصی که قرد انقلابی در آن بسر میبرد، نیز شناخت و بویژه این شناخت انطباقی مارکسیسم است که شناخت مارکسیسم را بشناخت عمیق و واقعی مبدل می کند.

دنباله از صفحه ۸

زنان و دختران پیکارجوی ویتنام

زندان «توووك» و از جمله زندانیان غیر سیاسی، بمنظور افشاء این تبهکاری ها، مجازات آدمکشان، حذف مراسم احترام به پرچم ویتنام جنوبی و لغو قوانین ضد بشری زندان متحداً دست بمبارزه زدند. آنها خواه ستار «کسپرداری از اجساد مقتولین و جراحات معلولین (بر اثر شکنجه) شدند و تقاضا کردند تا شهداء بطرز شایسته ای بخاك سپرده شوند و بخانواده‌های آنان خسارت پرداخت گردد.

تسلیم زنان به سگهای درنده

ولی شکنجه گران دست از فشار بر نداشتند. در ۲۲ اوت ۱۹۶۸ خانم «نگو ثین تی خو آن لاو» را از سلول شماره ۷ زندان «توووك» چنان مضروب نمودند که جان سپرد. و سپس یك گروهبان پلیس وارد زندان شد تا جسد را تحویل گیرد. زنان زندانی از تحویل جسد امتناع نمودند در نتیجه ۱۸ زن شدیداً مضروب شدند و به ۳۵ نفر اخطار شد تا خود را برای انتقال به محل دیگر آماده کنند. زندانیان از اجرای دستور خود داری نمودند، واحد پلیس بلا فاصله سگهای درنده‌وارها کرد. چهار نفر از زندانیان جا بجا زیر چنگ و دندان سگهای درنده تکه و پاره و بسیاری مجروح شدند.

تاکنون دهها نفر از زنان زندانی «توووك» کشته و یا مفقودالاثر شده‌اند و صدها نفر بر اثر شکنجه معلول شده‌اند. زندانیان زندان «توووك» با آنکه زندگی آنها جداً در خطر است، به مبارزه سر سختانهٔ خود کماکان ادامه میدهند.

خانم «بین» وزیر امور خارجه دولت موقت انقلابی ویتنام جنوبی در گزارش خود به کنفرانس پاریس از افکار عمومی جهان خواستار شد که جنایات را افشاء کنند و اقدامات جدی بمنظور متوقف کردن دست خون آلود امپریالیسم امریکا و گروه دست نشانده آنها در زندان «توووك» و سایر زندانهای ویتنام جنوبی بعمل آورند و بخواهند پرندگی وشایستگی میهن پرستان زندانی احترام گذارده شود و تمام زندانیان سیاسی آزاد شوند.

ما در اینجا قصد ورود دوباره بررسی ارتهٔ عظیم تئوریك لنین نداریم. اینکار از وظیفه مقاله‌ای محدودیکی خارج‌است‌از آنجا که سر مشق گرفتن از شخصیت پیشوای داهی زحمتکشان که بزودی بثروت مترقی صد سالگی ورا بر پا خواهد داشت وظیفه هر انقلابی است و از آنجا که برای جوانان انقلابی ایران، فعالیت فکری و عملی دوران جوانی لنین میتواند منبع عظیم الهام و نمونه باشد، لذا کوشیدیم باختصار با این فعالیت آشنا شویم. نباید فراموش کرد که بهترین شیوه قدرشناسی از بزرگان کوشش برای فرا گرفتن شیوه آنان است

ا. س

سلیمان معینی و عبداله

معینی دو تن از شهدای گردمندن که اولی بدست دژخیمان سازمان امنیت از پای درآمد و دومی در یك نبرد تن بتن در برابر ژاندارم ها شهید شد. جلادان شاه برای ایجاد رعب در مردم میخواستند جنازه سلیمان معینی را (سمت چپ) شهر بشهر بگردانند، ولی مردم بمنظور اعتراض دکانها را بستند و در نتیجه جنازه را تحویل گرفتند و در آرامگاه شهر با احترام بخاك سپردند.

سلیمان و عبداله این دو برادر مبارز تا آخرین دم در راه آرمانهای مردم قهرمانانه مبارزه کردند. علیرغم تبه کاری های رژیم شاه در گردمندن خلق کرد به مبارزه خود علیه شاه و حامیان امپریالیست او ادامه‌خواهد داد.

زندانیان خود کشی میکنند

خانم «نگوئین تی خون» عضو کمیته جبهه آزادیبخش ملی در مناطق سایگون و خولون و سایدین در آغاز سال ۱۹۶۷ توقیف و یکماه تمام در زندان «توووك» زندانی بود. سپس او را بازدیدگاه بازداشتی ها منتقل کردند و پس از آزادی این منطقه توسط ارتش آزادی بخش ملی ویت نام خانم تی خون نیز آزاد شد. او پس از آزادی هنگام عبور از پاریس اطلاعات دقیقی از شرایط دشوار زندانیان در «توووك» در اختیار هیئت نمایندگی جبهه آزادیبخش ملی در کنفرانس پاریس گذارد. وی گفت: «شرایط زندان فوق العاده دردناك است. زندانیان شب و روز شکنجه می شوند و فریادهای شکنجه دیدگان قطع نشدنی است. سلولها بطول ۱۲۰ متر در ۸۰ سانتیمتر است و فقط از یك منفذ چند سانتیمتری هوا میگیرند. در این سلولهای تنگ و تاریك زندانیان رنگ نور را نمی بینند. بهنگام روز اجازه خروج و هوا خوری ندارند و فقط در شب برای خالی کردن سطل های بدون سرپوش فضولات خود بآنها اجازه خروج از سلول داده میشود. فقدان بهداشت بحدی است که عده کثیری از زندانیان به بیماری سل مبتلا شده اند. زندانیان جز یك بالپوش سبك بر تن ندارند و شب و روز بدون رو انداز روی زمین میخوابند. شکنجه روحی و جسمی زندانیان چنان شدید است که برخی از آنها با استفاده از تکه های لباسشان خود راحلق آویز میکنند.»

علیرغم قساوت هولناك امپریالیسم و گروه دست نشانده سایگون خلق ویتنام از زن و مرد و پیر و جوان دلیرانه مقاومت می کنند. تا روزی که خلق ویتنام بر سر نوشت خود حاکم شود، پیکار حماسه آمیز مردم ویتنام ادامه خواهد یافت.

اطلاعیه دبیرخانه...

های گوناگونی میشوند که باشکال مختلفه در کشور ما ظهور میکنند و از لحاظ ماهیت طبقاتی و اصول عقیده‌ای کمترین ارتباطی هم با سازمان حزبی ما ندارند.

ولی نه توطئه سکوت و نه تبلیغات مزورانه و پیر سر و صدا علیه حزب ما نتوانسته اند و نمیتوانند ما را از تعقیب خط مشی صحیحی که در مبارزه علیه رژیم ضد ملی و ضد دموکراتیك کنونی در پیش گرفته‌ایم باز دارند. توده های وسیع مردم ایران، حزب ما و عناصل میهن پرستانه و آزادیخواهانه‌ای وی را نیك میشناسند و بهمین سبب تبلیغات خصمانهٔ شدید و انتشارات مجعولی که با استفاده از محیط ترور و اختناق بوسیله‌ی رژیم ستمگر و آزادیکش کنونی علیه حزب ما انجام میگیرد، نمیتواند در افکار عمومی مردم آزادهٔ کشور ما مؤثر افتد. مردم ایران بخوبی درك میکنند که خط مشی حزب ما در جهت اتحاد کلیه نیروها و عناصر ملی و دموکراتیك، سیاستی است اصولی و بی گیر که از ماهیت انقلابی حزب ما سر چشمه گرفته و بر اساس تحلیل واقع بینانهٔ مرحله کنونی انقلاب ایران قرار دارد و لذا نمی تواند کوچکترین متلهیتی با بند وبستها و توطئه هائی داشته باشد که جناحها و عناصر مختلفهٔ هیئت حاکمه یا باقتضای منافع خاص خود گاه و بی گاه علیه یکدیگر ترتیب میدهند.

با این وجود برای رفع هر گونه شبهه و ابهام دبیر خانه کمیته مرکزی حزب توده ایران وظیفه خود میداند اخبار مجعولی را که در مطبوعات ایران دائر به «قرار و مدار های پنهانی» حزب ما و «همکاری محرمانه» آن با تیمور بختیار انتشار یافته جداً و قویاً تکذیب کند و نیز این ادعا را که گویا حزب کمونیست عراق در این زمینه وساطت و بادرمیانی کرده است، مانند تهمت بی شرمانه ای نسبت بحزب برادر عراق که بیکی از گردانهای مؤثر جنبش کارگری در خاورمیانه است افشانماید.

دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران ۱۵ مهر ۱۳۴۸

هر شب ستاره ای بزمین میکشند و باز این آسمان غمزده غرق ستاره هاست

این شعر زیبا و پر معنی یکی از شعار هائی است که امسال دانشجویان دانشگاه تهران برای گرامی داشت خاطره شهیدان ۱۶ آذر ۱۳۳۲ـ شریعت رضوی، احمد قندچی، مصطفی بزرگ نیا، در ترا کتهای کوچك پخش کرده‌اند. آنها بار دیگر و علیرغم زور پلیسی پیوند ناگسستنی خود را با این شهیدان راه آزادی واستقلال ایران اعلام و پیمان دیرین خود را برای ادامه مبارزه در راه آرمانهای انقلابی آنان تجدید کرده‌اند. در ترا کت دیگری دانشجویان دانشگاه تهران مینویسند:

«دوستان دانشجو! روز ۱۶ آذر ۱۳۳۲ یکی از مهترین روز های تاریخ مبارزات دانشگاهی است. در این روز در تظاهراتی که علیه ورود ریچارد نیکسون بمنظور فراهم کردن زمینه مناسب جهت عقد قرارداد های ظالمانه نفت و نیز تجدید روابط ایران و انگلیس صورت گرفت، سه تن از ارجمندترین و آزاد منش ترین دانشجویان دانشگاه تهران شریعت رضوی، احمد قندچی مصطفی بزرگ نیا در صحن دانشکده فنی دانشگاه تهران بضرب گلوله شهید شدند. روز ۱۶ آذر که در حقیقت روز تجلی روح میهن پرستی دانشجو است از افتخارات دانشجویان مبارز بشمار میرود. اکنون که ۱۶ سال از آن روز میگذرد و فقر و تنگدستی اکثریت هموطنان ما بموازات ثروت و فساد گروهی معدود گسترش بیشتر یافته است حقانیت دانشجویان مبارز بیشتر آشکار گشته وشهدای ۱۶ آذر بعنوان سمبل این دانشجویان ارج و احترامی بیشتر یافته‌اند.»

در ترا کت دیگری دانشجویان دانشگاه از جمله مینویسند:

«آزمون تاریخی ۱۶ آذر نشان داد که رزمندگان دانشگاه توانائی آنرا دارند که بمنظور رهائی ایران و وفاداری به خلق ایستاده بمیرند. ۱۶ آذر روز سوگ خونین دانشگاه به نبرد علیه دیکتاتوری و امپریالیسم است. دانشگاه معجون بصورت پادگان آزادی پا برجاست و راه آن از راه دشمنان خلق جداست. بین دانشجویان و آدمکشان رژیم کودتا خلیجی از خون آزادیخواهان وبیهن پرستان قرار دارد، خونی که الهام بخش ستیز آشتی ناپذیر ماست.»

در واقع وقتی دانشجویان دانشگاه تهران در ترا کتهای خود از جمله مینویسند «شهیدان شانزدهم آذر با نثار خون خود راه مبارزه واقعی در راه آرمانهای انقلابی را پیدا آموختند» فقط خاطره شهیدان قهرمان خود را تجلیل نمیکنند. طی سالهای پس از ۱۶ آذر ۱۳۳۲ دانشجویان دانشگاه با وجود اشغال نظامی دانشگاه و سپس تسلط سازمان امنیت و علیرغم اخراج و توقیف و حبس و شکنجه دانشجویان توسط عاملان دژخیانی که دهها نشانه بزندگی جوان سه دانشجوی شهید خاتمه دادند، حتی یك لحظه هم نگذاشتند آن سکوت گورستان که رژیم میخواهد در دانشگاه برقرار کند، تحقق یابد. حتی یك لحظه هم پرچم مبارزه‌ای را که سه دانشجوی شهید با خون پاکشان خود رنگین ساختند، از دست نگذاشتند و برابر دژخیان سرفرود نیاوردند. وقتی دانشجویان دانشگاه تهران مینویسند، «رضوی، بزرگ نیا و قندچی با خون خود شعله نهضت دانشجوئی ایران را فروزان کردند. این مشعل فروزان هرگز خاموش نخواهد شد» بدرستی واقعیت مبارزه خاموش نشدنی خود را منعکس میکنند.

شهیدان ۱۶ آذر فقط درس دلاوری و جانبازی ندادند. آنها که با توده‌ای و یا مصدقی بودند، وقتی یکصدا بر سر دژخیان بانگ زدند، وقتی دست در دست و شانه بشانه سینه های مردانه خودرا در برابر جلادان سپر کردند و سرانجام وقتی که از پا در آمدند و خونشان بهم آمیخته شد، درس اتحاد، اتحاد بزرگ بر ضد دشمن مشترك و بخاطر هدف مشترك را نیز بهمه مبارزان راه آزادی و استقلال ایران دادند. در دورانی که میهن پرستان و آزادیخواهان ایران در گیر مبارزه‌ای دشوار و پرنیرنج و طولانی‌اند و در زمانی که بادهای ناملایمت پراکندگی و اختلاف بین نیرو های ملی و مترقی نمیگذارد که شعله های مبارزه به آتشی عظیم و دشمن‌سوز بدل گردد، درس اتحاد شهیدان دانشجو، اتحادی که کلید پیروزی است، درخشان تر و عبرت انگیزتر از همیشه است.

هنگامیکه که دانشجویان دانشگاه تهران مینویسند «اتحاد مبارزه، پیروزی شعار مقدس دانشجوئی است که بخاطر تحقق آرمان شهدای شانزده آذر پیگار میکنند» پرتو امیدی که دل ها و همه مبارزان را برای تحقق اتحاد، ادامه مبارزه و نیل به پیروزی روشن میکند، درخشان تر میگردد.

گرامی باد خاطره شهیدان ۱۶ آذر!

درود بر شورمایه دانشجویان مبارز ایران!

م. انوشه

زنان و دختران پیکار جوی ویتنام در اسارت شکنجه گران

در یکی از جلسات کنفرانس پاریس در ژوئیه سال ۱۹۶۹ خانم «نگوین تی بین» وزیر امور خارجه دولت موقت انقلابی ویتنام جنوبی اسنادی حاوی جنایات وحشیانه‌ای که امریکائیها و حکومت دست نشانده سایگون نسبت به زنان زندانی زندان «تووك» مرتکب شده‌اند قرائت نمود. این سند بر اساس شهادت محبوسین سابق زندان «تووك» و اقاریر عده‌ای از سربازان دولت پوشالی سایگون تنظیم شده و افشاگر حوادث ارزاء نده‌ای است که از سال ۱۹۶۰ ببعد در زندان «تووك» گذشته است. اطلاع از این حوادث از یکسو از سیمای دد منش امپریالیسم امریکا و گروه فاشیست سایگون بیش از پیش پرده برمیگیرد و از سوی دیگر ایستادگی دلیرانه زنان و دختران ویتنام را در برابر فاشیستهای امریکائی و دستیاران سایگونی آنها نشان میدهد. خانم «بین» در گزارش خود چنین گفت:

از سال ۱۹۶۰ تعداد زنان میهن پرست ویتنامی که بدست ارتش سایگون بازداشت و زندانی شده اند افزایش یافته است. این زنان پیکارجو، متحمل مجازاتهای وحشیانه ای شده اند. امریکائیها و نوکرانشان در ویتنام جنوبی، برای درهم شکستن روحیه این زندانیان و شکنجه جسمی آنها، همه گونه وسیله‌ای را آزموده اند و حتی عده‌ای از آنانرا بتبعید گلههای اعمال شاقه در «پولو کندور» و «فو کوئك» اعزام داشته اند. در سال ۱۹۶۲ تمام زنان زندانی را اعم از متهم سیاسی و یا مجرم عادی، زندان «تو. ووك» انتقال دادند. زندان «تووك» در ۱۲ کیلومتری شمال شهر سایگون قرار دارد و بتعداد زنان «تووك» شب و روز در شکنجه گاهها و حتی در سلولها شکنجه میشوند. در آغاز سال ۱۹۶۸ تعداد زنان زندانی «تووك» به ۱۴۰۰ نفر رسید. تعداد زندانیانیکه بعلت شکنجه های شدید، گرسنگی و بیماری جان سپرده اند، پیوسته رو بافزایش است.

مأموران زندان همه روزه زندانیان را مجبور میکنند در برابر پرچم دولت دست نشانده وبت نام جنوبی مراسم احترام بعمل آورند و به پیکار میهن پرستانه مردم وبت نام جنوبی دشنام گویند و توهین کنند. آن عده از زنان زندانی که از دستور زندانبانان تبعیت نکنند، بشدت مجازات میشوند. آنها را بلافاصله در سلولهای تنگ و تاریك می‌اندازند گرسنگی و تشنگی میدهند و بشدت کتك مضروب میسازند.

قتل بوسیله شکنجه

از ژوئیه سال ۱۹۶۸، «موجی از خشونتهای خونآلود همراه با زجر و شکنجه وقتل زندانیان در زندان «تووك» آغاز گردید. در دهان و چشمهای زندانیان آهك میریختند، دندانهای آنها را میشکستند و بیرون میکشیدند، صورت زندانیان را می‌سوزاندند، و آنها را تا سرحد بیهوشی کتك میزدند. از جمله دندانهای زن آموزگاری را بیرون کشیدند و صورت سه تن از زنان زندانی را سوزاندند.

۱۶ اوت ۱۹۶۸ خانم «تران تی ـ بین» را باطاق شکنجه بردند او را برهنه کردند و سپس دو نفر از مأموران شکنجه پاهای زن را باز کردند تا رئیس زندان «دون نگومین» افسر ارتش ویتنام جنوبی برای شکنجه وحشیانه، باتون بکار برد. و پس از این شکنجه وحشیانه رئیس زندان به سربا. زان خوددستور داد تا بنوبت به زن تجاوز کنند.

در همان روز دو نفر از زنان زندانی را پس از مراجعت از دادگاه برای اعمال فشار به زندان دیگری منتقل کردند. زندانیان بمنظور اعتراض دست باعتصاب غذا زدند و زندانیان سلول مجاور نیز که هشت نفر بودند، باعتصاب پیوستند. روز ۳۱ اوت دژخیان با قساوت و سفاکی اعتصاب کنندگان را شلاق زدند.

در همان شب خانم «نگوین تی تان» و «وانگ تی ران» بر اثر جراحت وارده جان سپردند. «نگوین تی تان» ۴۲ ساله و «وانگ تیران» ۱۶ ساله بود. دژخیان بمحض اطلاع از مرگ این دو زن مقاوم، باعجله بزندان آمدند تا آثار جنایت را از این ببرند. اما در زندان با مقاومت جمعی زندانیان روبرو شدند. زنان زندانی باآنکه بعلت اعتصاب غذا و تحمل ضربه‌های سوزان شلاق در حال ضعف بودند، برای حفظ اجساد رفقای خود تصمیم بمقاومت گرفتند. شکنجه گران که از مقاومت زندانیان خشمگین شده بودند، «کوئك کوه کین» را که دختری ۲۴ ساله بود جابجا کشتند، و زن دیگری را بنام «هوئی تی نگون» تا حد فتح عمومی بدن مضروب ساختند. بقیه زندانیان کوشیدند تا بهر قیمت مانع بردن اجساد شوند تا شاید بتوانند پرده از این جنایات وحشیانه برگیرند. اما رئیس زندان دستور داد تا زنان را شکنجه دهند و مأموران زندان پس از اعمال شکنجه های سخت زندانیان را در حال اغماء همراه بردند و دیگر هرگز از آنان خبری نشد. در بین آنها دختران ۱۶، ۱۷، ۱۹ ساله و زنان ۳۵ و ۳۰ ساله وجود داشتند این جنایت موجب شد تا ۱۴۰۰ نفر زندانی

دنباله در صفحه ۷

کمیته مرکزی حزب کمونیست بلغارستان در پاسخ نامه شادمانی کمیته مرکزی حزب ما، نامه ای بشرح زیر بامضای رفیق تودر ژیوکف دبیر اول کمیته مرکزی حزب کمونیست و نخست وزیر جمهوری توده ای بلغارستان ارسال داشته است.

☆ ☆ ☆

کمیته مرکزی حزب توده ایران!

رفقای عزیز!

از شاد باش ها و آرزوهای نیکخواهانه شما در بیست و پنجمین سالروز انقلاب سوسیالیستی بلغارستان و از ارزیابی عالی شما در باره کامیابی هائی که مردم بلغارستان تحت رهبری حزب کمونیست بلغارستان بدست آورده اند صمیمانه از شما سپاسگزاریم.

ما اطمینان داریم که روابط دوستانه میان دو حزب ما در آینده نیز بر پایهٔ اجرای پیگیر اصول مارکسیسم ـ لنینیسم و وفای به انترناسیونالیسم پرولتری بسط خواهد یافت.

تودور ژیوکف ـ دبیر اول کمیته مرکزی حزب کمونیست بلغارستان